

nervig sein

written by مرتضی غلام نژاد | سپتامبر 21, 2017

Wort des Tages لغتِ روز

nervig sein

آزار دهنده است ، اعصاب خوردکن است

تقریباً همانند فعل stören

درد سر دادن ، زحمت دادن ، مزاحم شدن ، مخل آسایش شدن ، ایجاد اختلال کردن

البته این فعل stören هرگاه به عنوان یک فعل انعکاسی به همراه حرف اضافه an در جملات مورد استفاده قرار بگیرد ، آنگاه به معانی زیر است :

نفرت داشتن ، متنفر بودن ، منجر بودن ، بیزار بودن

خب اجازه بدید اول به nervig sein پردازیم ، در ادامه حتما فعل stören را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

Ich konnte den Handwerker telefonisch den ganzen Tag nicht erreichen, das ist wirklich nervig!

تمام روز نتوانستم تلفنی آن کارگر را به دست بیاورم ، این واقعا اعصاب خوردکن است

یا ساده تر اینکه : از صبح هرچی تماس میگیریم ، اون کارگر در دسترس نیست ، واقعا اعصاب خوردکنه

در واقع nervig یک صفت است که با فعل sein ترکیب شده است ، خود Nervig به معانی روی مخ بودن ، اعصاب خورد

کن بودن است

Etwas ist nervig

چیزی رو مخ است ، چیزی اعصاب خوردکن است

چیزی وجود دارد که آن باعث اعصابیت می شود

یا اینکه Es ist nervig آن آزار دهنده است ، آن روی مخ است

Sei nicht nervig!

انقدر رو مخ نباش!

Sei nicht nervig und quengele hier nicht so herum! herrschte sie ihren Sohn an

او (مونث) با خشم و عصبانیت به پسرش امر میکرد: انقدر رو مخ نباش و هی نیا اینجا نق نق کن (غر بزن)

در تفکر آلمانی ترجمه جمله اینگونه می شود:

رو مخ نباش و نیا اینجا و اینجوری غر زن ، او (مونث) با خشم و عصبانیت پسرش را امر میکرد.

حال اجازه بدهید که به فعل stören بپردازیم

همانطور که در بالا اشاره کردیم ، به معانی زیر است :

درد سر دادن ، زحمت دادن ، مزاحم شدن ، مخل آسایش شدن ، ایجاد اختلال کردن

و اگر به عنوان یک فعل انعکاسی به همراه حرف اضافه an آمده باشد :

نفرت داشتن ، متنفر بودن ، منزجر بودن ، بیزار بودن

گذشته ساده : störten
گذشته کامل : haben gestört

حالت اول : هرگاه مزاحم آسایش کسی شویم به خاطر خواسته خودمان ، مثلا ساعت ۱۲ شب بریم در خونه همسایه بپرسیم شما هم برق ندارید ؟ یا مزاحم خواب یا استراحت کسی شویم یا همان معنی مغل آسایش شدن یا مزاحم کسی شدن

Einen Schlafenden stören

مغل آسایش یک کسی که خوابه شویم

Jemanden bei der Arbeit stören

کسی را در هنگام کار مزاحم شدن

در تفکر فارسی : مزاحم کار کسی شدن

Ich weiß nicht, ob wir jetzt stören dürfen

نمیدونم ، که آیا ما الان اجازه داریم مزاحم بشیم

Entschuldigen Sie bitte, dass ich störe

ببخشید لطفا که مزاحم میشم

Entschuldigen Sie bitte, wenn ich störe

ببخشید لطفا اگر مزاحم میشم

حالت دوم : هرگاه یک اتفاق یا چیزی باعث صدمه زدن یا آسب رساندن بشود ، چیزی باعث اختلال بشود یا موجب دردسر بشود

Das würde unser Vertrauensverhältnis stören

این می تونه به اعتمادی که میان ماست آسیب برساند

این می تونه باعث صدمه زدن به اعتماد میان ما بشود

Die guten Beziehungen zu den Nachbarländern sollten nicht gestört werden

آن ارتباط یا رابطه خوبی که میان همسایه ها بود ، نمی بایستی صدمه بهش وارد میشد

حالت سوم : وقتی چیزی باعث می شود تا اعصاب کسی خورد شود و یه جوری روی مخش باشه

Dieser Lärm stört mich bei der Arbeit

این سر و صدا در هنگام کار مزاحم من می شود

این هیاهو در هنگام کار مزاحم من می شود

Es störte sie sehr, wenn man die Form nicht wahrte

آن خیلی روی مخ او (مونث) بود اگر آدم شکل ظاهریش را حفظ نکند

اگر آدم به خودش نرسه ، باعث عصبانیت او (مونث) می شود

به زبان ساده تر اگر آدم به تیپ و چهره ظاهریش نرسه ، باعث عصبانیت او (مونث) می شود.

حالت چهارم و آخرین حالت : وقتی به عنوان یک فعل انعکاسی به همراه حرف اضافه an به کار برده می شود.

sich an etwas stören

از چیزی نفرت داشتن یا بیزار بودن

به دلیل اینکه آن باعث خشم و عصبانیت ما می شود

sich an jemandes Anwesenheit stören

از حضور کسی بیزار بودن

مثلا از کسی خوشمان نمی آید و از اینکه او حضور دارد ، نفرت داشته باشیم و یه جورایی از اینکه او حضور دارد عصبانی هم باشیم

و در نهایت اصطلاح روزمره در اینباره :

Ich will euch nicht stören

نمی خواهم باعث درد سر شماها بشم
نمی خواهم مزاحم شماها بشم

Bitte nicht stören!

لطفا مزاحم نشوید!

Es tut mir leid, dass ich sie schon wieder stören muss

شرمنده که باز دوباره باید مزاحمتون بشم

متاسفم که من یکبار دیگر باید باعث دردسرتان شوم

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع :